



🌀 هجدهمین جشنواره بین المللی تئاتر کودک و نوجوان - همدان  
🌀 شماره ی سه / ۱۸ آبان ماه ۱۳۹۰



حدیث

حضرت محمد (ص):  
بازی گوشی کودک در خردسالی اش مایه فرونی عقل در  
بزرگسالی اوست.

قهرمانی (فرماندار همدان):

## جشنواره ی تئاتر فرصت مغتنمی است برای انتقال مفاهیم ملی و اسلامی

تدارک خوبی برای استقبال و پذیرایی عزیزان و تأمین شرایط مورد نیاز گروه هایشان، داشته باشیم. البته این به این علت است، که ما تجربه ی موفق برگزاری جشنواره ی بین المللی فیلم های کودکان و نوجوانان را هم داریم، و توانستیم این جشنواره را دوباره احیاء کنیم. بحث جشنواره ی تئاتر هم به همین شکل است، و ما بعد از برگزاری موفق جشنواره ی هفدهم، سعی کردیم با توجه به تجربیاتمان، بسترها و تمهیداتی بیندیشیم که انشالله، جشنواره ی هجدهم به مراتب بهتر از جشنواره های گذشته باشد.

یکی از بحث های که مطرح کردیم، تعامل فرهنگ هاست. می دانیم که در طول جشنواره، اجرای نمایش، کارگاهها و نشست های تخصصی و... را شاهد هستیم. با توجه به این بسترها، چه تمهیداتی اندیشیده اید تا بهتر بتوانیم فرهنگمان را به آن ها عرضه کنیم و آن ها هم - مخصوصاً خارجی ها - دست پُر به کشورهایشان بازگردند.

مطمئن باشید که میهمانان خارجی، وقتی با فرهنگ شهر ما و فضایش آشنا شوند و در آن به گشت و گذار بپردازند، بخش بسیار زیادی از این تعامل، خود به خود انجام می گیرد. همان طور که گفتیم، در طول برگزاری جشنواره هم برنامه هایی در این خصوص داریم.

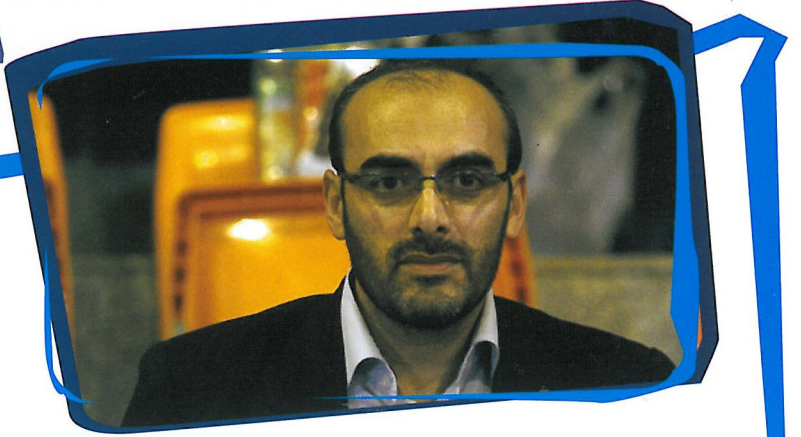
### خودتان به دین نمایش ها می روید؟ اصلاً فرصت می کنید؟

حقیقت این است که به خاطر مشغله ی کاری، فرصت چندانی ندارم. اما خوب، سعی می کنیم که دست کم چند کار را چه به عنوان تشویق، چه خیر مقدم، به گروه ها و چه دین و استفاده از نمایش ها، ببینیم.

یک جمله درباره ی هجدهمین جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان همدان بفرمائید.

برگزاری جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان، فرصت مغتنمی است برای انتقال مفاهیم ملی و اسلامی - ایرانی، به قشر مورد هدف، یعنی کودکان و نوجوانان، که انشالله توفیق لازم را در این راه داشته باشیم.

فواد ابراهیمیان



جناب آقای قهرمانی، با توجه به آغاز هجدهمین دوره ی جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان در شهر همدان، کمی از حال و هوای مردم شهر برایمان بگویید.

ایجاد هرگونه شور و نشاط در جامعه، همیشه مورد تأکید مقام معظم رهبری بوده و هست، و برگزاری جشنواره ها هم از تأکیدات ویژه ی ریاست محترم جمهور است. با علم به این دو مهم، باید بدانیم که برگزاری جشنواره ی تئاتر کودکان و نوجوانان، بستر مناسبی است برای ارائه ی خوراک فرهنگی مورد نیاز این قشر، که انصافاً باید بگوییم در بعضی مواقع، به آن کم توجهی و بی مهری شده است. جشنواره یک ابزار است، و اگر ما بتوانیم از آن به خوبی بهره برداری کنیم، حتی می تواند بستر مناسبی شود برای انتقال ارزش های معنوی اسلامی - ایرانی، در قالب هنر ارزشمند تئاتر، که بسیار هم اثر گذار است و در واقع، جشنواره فرصت مغتنمی در این راستاست. همان طور که می دانید، گاهی برای آموزش یک نکته به کودکان و نوجوانان، نمی توانیم خیلی از سخنرانی و نصیحت و... استفاده کنیم و بهره ببریمو زیرا اثر گذار نیست، ولی وقتی بتوانیم این حرف و نکته را در قالب هنر و به خصوص تئاتر ارائه بدهیم، قطعاً اثر گذاریمان بیشتر از پیش خواهد شد. و دقیقاً همین مدنظر ماست. زیرا کودکان و نوجوانان، آینده سازان و پرچم داران آینده ی کشورمان خواهند بود. به همین دلیل است، که برگزاری جشنواره های بین المللی، از نظر ما زمینه و فرصت مناسبی است.

همان طور که می دانید، این جشنواره ابعاد دیگری هم می تواند داشته باشد؛ چه از نظر تأثیرش بر خود هنر تئاتر در استان، چه از نظر ابعاد آموزشی و دیگر قضایا، در این زمینه هم اگر صحبتی دارید، بفرمائید.

بله از منظری دیگر اگر بخواهیم به جشنواره نگاه کنیم، این اتفاق بستر مناسبی است برای ایجاد فعالیت های فرهنگی و هنری در استان همدان و شهرستان هایش، تا هنرمندان ما بتوانند استعدادها و توانایی های بالقوه ی خودشان را بالفعل کنند. و از آن جا که جشنواره بین المللی ست، فرصت مناسبی است برای تعامل فرهنگ ما، با کشورهای مثل دانمارک، نروژ، کانادا و آفریقای جنوبی و... پذیرای گروه ها و استادان محترمی هستیم و امیدواریم، که در تعامل فرهنگی با آن ها بتوانیم ارزش ها و فرهنگ های کشورمان را به نوعی، چه در قالب نمایش، و چه سایر برنامه های جنبی، منتقل کنیم. زیرا فرصت مغتنمی است. از طرف دیگر، ما گروه های میهمانی را هم از کشور خودمان داریم، که ممکن است بعضی هایشان، اولین بار باشد که به همدان می آیند. این ها، وظیفه ی ما را سنگین تر می کند. ما سعی کرده ایم که

قائم مقام مدیر اجرایی جشنواره :

## افتتاحیه و اختتامیه با نیروهای بومی و با هنر نمای هنرمندان همدانی اجرا می شود

جناب آقای مجید فروتن، با عرض سلام و خسته نباشید خدمت شما و همکارانتان، لطفاً از کمیته های اجرایی و اهم فعالیت های آن ها برای خوانندگان روزنگار بگویید.

من هم سلام دارم خدمت شما و خوانندگان محترم و هنرمندان ارجمند. ما در ابتدا کمیته های ۱۲ گانه ای با شرح وظایف مشخص در کنار قسمت ستادی تشکیل دادیم و کلیه شرح وظایف را در یک دفترچه چاپ کردیم و در اختیار کمیته ها قرار دادیم. هر کمیته به واحدهای زیر مجموعه، با عملکردهای مختلف تقسیم شده، و این کمیته ها حدود ۲ ماه است که کار خود را رسماً آغاز کرده اند.

آقای فروتن چه تفاوتی در نحوه ی برگزاری و اجرای این دوره با جشنواره دوره ی گذشته وجود دارد؟

در این دوره کارهایی صورت گرفته که در جشنواره گذشته وجود نداشت. از شاخص ترین آن ها این است که برای اولین بار مراسم افتتاحیه و اختتامیه در این دوره، با نیروهای بومی و با هنر نمایی هنرمندان همدانی اجرا می شود. همچنین علاوه بر مرکز استان،

همه ی شهرستان های استان هم به نوعی درگیر با جشنواره ی کودک هستند. تعداد اجراها در همه ی شهرستان ها را تا حدود ۶ اجرا ارتقا دادیم، که تقریباً در هر شهرستان شاهد ۸ اجرا ی نمایش خواهیم بود و در مرکز استان هم علاوه بر کارگاه های آموزشی، حدود ۱۵ اجرا را شاهد خواهیم بود. همچنین به جهت بهتر معرفی کردن همدان به هنرمندان و میهمانان داخلی و خارجی، یک روز به ایام جشنواره اضافه کردیم تا میهمانان بدون هیچ دغدغه ی کاری از اماکن تاریخی و تفریحی و همچنین غار علیصدر دیدن کنند، و همچنین به همه ی میهمانان یادبود جشنواره اهدا می گردد. نمایشگاه عکسی در مجتمع شهید آوینی با عنوان مروری بر اجراهای دوره ی گذشته (دوره هفدهم) در نگارخانه ی استاد زنگنه نیز برگزار می شود. و علاوه بر این دو، نمایشگاه کتاب کودک و نوجوان در سالن های مهدیه و بوعلی و غرفه ی تکنولوژی آموزشی هم در مجتمع شهید آوینی دایر گردیده است.

در خصوص استفاده ی بهتر دانش آموزان از نمایش های این

دوره، چه تمهیداتی اندیشیده شده است؟

تمامی اجراهای صبح، به دانش آموزان اختصاص دارد. در این دوره هم نیمی از ظرفیت سالن ها در اجراهای بعد از ظهر را، به آن ها اختصاص داده ایم. لازم به ذکر است که بلیت های اختصاص یافته به دانش آموزان، کاملاً رایگان است.

تجهیزات سالن های نمایش در چه حدی هستند؟

الآن می توان به جرأت ادعا کرد، که هر ۶ سالن نمایش در این دوره، کاملاً حرفه ای و مجهز به سیستم نور و صوت هستند. و علاوه بر آن، یک انبار صوت و نور نیز در کنار سالن ها آماده ی فعالیت است، که قطعاً در اجرای با کیفیت گروه ها نیز تأثیر بسیار زیادی خواهد داشت.

در خاتمه چه صحبتی با خوانندگان دارید؟

تمام تلاش ما و همه ی همکارانمان بر این بوده است، که این جشنواره پربرتر از جشنواره های پیشین باشد، و آرزوی موفقیت برای تمامی گروه های اجرایی داریم.



«رضا فیاضی، از آن جنوبی های خون گرم و دوست داشتنی است. با کوهی از تجربه که پشت سر دارد، از گپ و گفت آت با او لذت می بری و وقتی از کارهایش می گوید، ناخودآگاه خاطرت می رود به سال های کودکی. کودکی می کنی / شهرام بزرگی»

**چرا کار برای کودک و نوجوان؟ اگر اشتباه نکنم، بخش عمده ای از فعالیت های شما در صحنه و تصویر، مربوط به همین حوزه است.**

بله. این برمی گردد به یک نیاز شخصی، که از خلاء موجود در کودکی های من می آید. من در بچه گی کار می کردم و فرصتی برای بازی و تفریح نداشتم. در واقع، من اصلاً بچه گی نکردم. و این شدیدترین نیاز من بود. حتی حضورم آن قدر در کوچه و محله ها کم بود، که بعدها هم که کمی معروف شدم، کسی از هم محله ای ما را نمی شناخت و نمی دانست که چه کسی هستم. به هر حال، همین نیاز باعث شد بعدها که وارد کار تئاتر شدم، تلاش کنم که فضایی را بسازم، تا بچه ها ضمن سرگرم شدن و تفریح، آموزش هم ببینند. در همین راستا، به عنوان نویسنده و کارگردان، اولین کاری که کردم - هم در تلویزیون و هم روی صحنه - «خورشید، زیتون، دریا» بود، که در سال های ۶۱-۶۰-۶۳ در کانون پرورش فکری آن را کار کردم، که ترکیبی از عروسکی و زنده بود. این نمایش، جنبه ی آموزشی داشت. بعد از آن، «اغچه ی کنجکاو» را برای تلویزیون کار کردم که ۲ سال پیاپی پخش می شد، و داستان زاغچه ای بود که به پرواز درمی آمد و ناشناخته ها را کشف می کرد و دنیا را از نزدیک می دید، و به این شکل، این نمایش هم جنبه ی آموزشی داشت. پس می بینید که پایه ی کارم را از همان ابتدا روی آموزش به وسیله ی تئاتر گذاشته ام.

**خُب چرا؟ چرا اصلاً تئاتر؟ مگر چه ویژه گی بارزی از دید شما داشت که ابزاری شد در دستانتان برای آموزش؟**

خیلی ساده. واقعیت این است که تئاتر، به خصوص تئاتر کودک و نوجوان، نیاز انکارناپذیر جامعه ی ماست. حتی به نظر من، اولویت اش بیشتر از تئاتر بزرگسال است. یعنی به همان نحوی که آدم ها وقتی بزرگ می شوند و نیاز به خوراک فرهنگی و هنری دارند، این نیاز در بچه ها هم هست. پس باید مُدام کار شود. و یکی از این کارها، اجرای نمایش برای کودکان و نوجوانان است. حالا اگر این توجه کم شده و یا گاهی مورد بی مهری قرار گرفته، نشان از بی مسئولیتی ما نسبت به کودکانمان بوده. اما این دلیل نمی شود که مُکُن این نیاز جدی بشویم. به هر حال، سرمایه های هر مملکتی بچه ها هستند. همین ها هستند که در آینده ی کشور، برای سیاست، فرهنگ و خیلی دیگر از مسائل جامعه تصمیم می گیرند. حالا با این پیش فرض، ببینید اگر روشنگری در بین بچه ها وجود داشته باشد، و ما از همان ابتدا با آن ها سر و کله بزنیم و آن ها را در چالش بیندازیم و به تفکر وا داریم، چقدر روی آینده شان تأثیرگذار است. و شک نکنید که همه ی این چیزها را تئاتر می تواند ایجاد کند.

**جامعه برای پرورش کودکان و نوجوانان، به تئاتر نیاز دارد. و در واقع، تئاتر ابزاری برای فراگیری است. یادم می آید که در گذشته های نه چندان دور، معلم هایی بودند که در مدارس، به صورت ناخودآگاه، از طریق تئاتر، مفاهیم درسی را به دانش آموزان یاد می دادند.**

بله. در گذشته، شرایط به گونه ی دیگری بود. در سطح ابتدایی تنوع نمایش های میدانی و خیابانی زیاد بود. و به فراخور سنت و قومیت هر قومی، شکل های متفاوتی داشت و جنبه ی سرگرمی پیدا کرده بود. و این قضیه، به نوعی در سطح مدارس و کلاس های آموزشی هم وجود داشت. اما الان شرایط عوض شده و تئاتر از حالت سرگرمی مطلق درآمده، و حالا «تفکر» پشت آن است. دلیل نیاز به تئاتر در فرآیند پرورش کودک و نوجوان، اهمیت داشتن آینده ای روشن، و برای تفکر اساسی و متفکرانه در زمینه های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی... است. و این به نظر من، فقط از طریق تئاتر امکان دارد.

**برگردیم به احساس این نیاز در وجود خودتان.**

من این نیاز را چه در کودکی و چه در بزرگ سالی، شدیداً احساس کرده و می کنم. از اول هم علاقمند بودم و پایه ی کارم از سطح ابتدایی، در کانون پرورش فکری - متولی تئاتر کودک و

نوجوان در گذشته - بود.

**با توجه به گفته های شما، به این نتیجه می رسم که در حال حاضر متولی مشخصی برای حمایت از تئاتر کودک و نوجوان، وجود ندارد. از طرفی، می دانیم که نیاز به تئاتر در فرآیند آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان، شدیداً احساس می شود. پس در این گیر و دار، تکلیف چیست؟**

جالب است که در حال حاضر، مرکز هنرهای نمایشی هم متولی این نوع از تئاتر شناخته نمی شود. فقط جای خوشبختی دارد، که ما «انجمن تئاتر کودک و نوجوان» را چند سالی است که تشکیل داده ایم، که یک سال هم خودم رییس اش بودم. اما متأسفانه این انجمن

## برای روی صحنه رفتن وصیت تئاتری من دعا کنید

هم، زمانی اهمیت پیدا می کند و به چشم می آید، که پای جشنواره ای در میان باشد، اما بعد دوباره از یاد می رود. به هر حال، برای ما خیلی فرقی نمی کند، هر کدام از این ارگان ها و انجمن ها، که امکانات داشته باشند، باید مسئولیت این خانواده را به عهده بگیرند. و آموزش و تولید هم از طریق همین ها سر و سامان داده شود. مثلاً می توانند مربی تئاتر تربیت کنند و به مراکز مختلف بفرستند.

**کودکان ما که فقط احتیاج به علم صرف ندارند! باید ذهن روحشان هم پرورش پیدا کند. و می دانیم که بخشی از خوراک فرهنگی لازم برای این کار، از طریق تئاتر تأمین می شود. ولی خب الان شرایط اش نیست. در دانشگاه هم گرایش تئاتر کودک و نوجوان نداریم. همه چیز تجربی است. پس با این وضع، می توانیم امیدوار باشیم به این نوع تئاتر؟**

مدتی است که اکثر اعضای خانواده ی تئاتر کودک و نوجوان، در کنار هم جمع شده ایم، و بارها و بارها نشست هایی را انجام داده ایم. همان طور که گفتیم، انجمنی هم تشکیل داده ایم، که تحت پوشش خانه ی تئاتر است. در این حدود ۳-۴ سال، تلاش هایی هم کردیم که با دانشگاه تعامل داشته باشیم. سعی کردیم شرایطی فراهم شود که رشته ی آموزش تئاتر کودک و نوجوان در دانشگاه هم، داشته باشیم. در آموزش و پرورش هم، با پیگیری های ما قرار است واحدی به اسم تئاتر برگزار شود. در کل بگویم که تلاش می کنیم، اتفاقات خوبی بیفتد. می دانیم که کم است، اما من به آینده، امیدوار و خوشبینم.

**شما داور بخش مسابقه ی ایران در هجدهمین جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان هستید و باید به نوعی، نمایش های منتخب این حوزه را داوری کنید. با این پیش فرض، آیا از وضعیت تئاتر کودک و نوجوان در کشورمان راضی هستید؟**

صادقانه بگویم؛ نه! حتی همیشه گفته ام که ما جشنواره ی تئاتر بین المللی داریم، ولی واقعاً بین المللی نیست. و حتی مسابقه ی واقعی در سطح داخلی هم نداریم. یعنی ما باید آنقدر روی تئاتر خودمان سرمایه گذاری کنیم، که به سطح رقابت برسیم. واقعیت این است که در شکل انتخاب آثار ایرانی برای بخش مسابقه ی ایران و بین الملل، بضاعت واقعی تئاتر ما، این نیست و انتخاب های درستی صورت نمی گیرد.

ما خیلی از پیشکسوت ها و کاربلدهایمان موقعیت پیدا نمی کنند که وارد جشنواره شوند. به آن ها بها داده نمی شود. در صورتی که می توانند به راحتی در بخش بین الملل با هنرمندان کشورهای دیگر رقابت کنند. اما متأسفانه اگر آن ها را دعوت هم نکنند، برای شرکت

در بخش ویژه و جنبی است. به کاربلدها و پیشکسوت ها سفارش می دهند که کار کنند، اما برای بخش جنبی.

**و همین هم باعث می شود که انگیزه برای کار و رقابت، در بین هنرمندان داخلی پایین بیاید. چون هنرمندان پیشکسوت و باتجربه را در رقابت نمی بینند، که تلاش کنند خودشان را به آن ها برسانند.**

نباید اینگونه باشد. اما خُب، به هر حال، امیدواریم مسئولین برگزاری جشنواره ها، فکری به حال این مسئله هم بکنند.

**با همه ی این قضاها، نقش جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان از نظر شما چیست؟ آیا الزام و کارکردی دارد؟**

جشنواره ها به خودی خود نه، اثری ندارند. به نوعی، آب در هاون کوبیدن است. اما اگر قبل و بعد از این جشنواره ها، برای کار و تجربه و پیشرفت، سرمایه گذاری شود، خوب است. باید در جشنواره ها، اهمیت خاصی برای فوق برنامه ها قائل باشیم. کارگاه، نشست های تخصصی و... در واقع، آرزو می کنم این اتفاقات بیفتد و بچه ها دور هم جمع شوند و از تجربیات هم بگویند و نقد کنند و استفاده کنند... اما متأسفانه الان این شرایط نیست. مشکل هم به خود هنرمندان برمی گردد، که متأسفانه از برنامه های فوق برنامه استقبال نمی کنند! این درد است.

**نظرتان درباره ی حضور جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان در همدان چیست؟ از این جهت عرض می کنم که در واقع، این جشنواره در همدان کلید خورده، و هنرمندان همدان مدعی اند که این جشنواره مال آن هاست، و می خواهند آن را نگه دارند.**

مهم نیست که کجاست! مهم این است که خوب برگزار شود. مهم این است که دلسوزی در آن باشد و کار کنند. سال گذشته همدان خیلی خوب بود و امکانات خوبی هم داشت. و حالا امیدوارم که هنرمندان و مسئولین تئاتر این شهر، با تجربیاتی که از گذشته دارند، امسال هم بتوانند جشنواره را آبرومندانه برگزار کنند و انشاءالله، سال های سال آن را در شهر خودشان نگه دارند.

**حرف آخر؟**

چیزی که دلم می خواهد و آرزوی این روزهای من است، مسئله ای ست که سال ها به آن فکر کرده ام و تمام فکرم را به خودش مشغول کرده. قصد دارم یک آپرای کودک، یک کار موزیکال برای بچه ها به روی صحنه ببرم. متنش را نوشته ام، اما برای اجرایش، به خاطر شرایط و امکانات فنی گسترده و زیادی که احتیاج دارد، سالی مثل تالار وحدت می خواهم، با امکانات کافی. چون کارم پُرحرکت است. امیدوارم بشود و امکانات بدهند تا بتوانم این کار را روی صحنه ببرم. این کار، وصیت کاری من است. یک وصیت از صمیم قلبم. می خواهم از آن به عنوان بهترین کارم یاد شود و یادگار بماند. برای روی صحنه رفتنش، دعا کنید.



## «پیک نیک در میدان جنگ»



🎭 مسابقه بین الملل

کودکان و نوجوانان همدانی، این بار به دیدن نمایش می نشینند، که در دنیای مورچگان اتفاق می افتد. مورچگان سیاه و قرمز مدت هاست به دلیل نامعلوم، با یکدیگر درگیرند تا این که مورچگان از مکان پیک نیک آدم ها، که غذای بسیاری در آن به جای مانده، مطلع می شوند و این بهانه ای شده است، تا «منوچهر اکبرلو» نمایشنامه ی «پیک نیک در میدان جنگ» را بنویسد، و در اواخر سال ۱۳۸۹ پیشنهاد اجرای آن را به «حمید رضا حاجی ملاحسینی» بدهد. حمیدرضا هم به دو دلیل آن را انتخاب کرده: اول موضوع جنگ، که به نظرش برای بچه ها خیلی هم غریب نیست، و دوم؛ سن کودکی حمیدرضا، مثل اکثر هم نسل های ما، در جنگ سپری شده است و همیشه از کلمه ی جنگ ترس داشته. پس تصمیم می گیرد که این نمایش را که زاویه ی دید دیگری به جنگ دارد، به روی صحنه ببرد و در این کار، عوامل زیر او را یاری رسانند:

آهنگساز: محسن میرزایی / شاعر: آزاده فرهنگیان / بازیگران: احسان مجیدی / محمدرضا مالکی / بیتا خارستانی / غزاله جزایری / امین حسینی / امیلا رضانی / دستیار کارگردان: صابر عسگری / طراح صحنه: مهرداد باقری / طراح لباس: زیبا موسوی / نقاشی دکور: مهرنوش ساوری / طراح پوستر و بروشور: علی باروتی / انیماتور: سهند خلج / طراح نور: علی اشرف سمعی  
ملاحسینی سال ۱۳۷۵، به صورت تخصصی کار تئاتر کودک و نوجوان را آغاز کرده است، و تاکنون در ۲۳ نمایش بازی کرده و در ۱۰ دوره ی جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان، در مقام بازیگر و کارگردان حضور داشته است. ملاحسینی نزد آقایان محمد حمزه زاده و امین تارخ، دوره های بازیگری را گذرانده است.  
جمله ی یادگاری ملاحسینی برای خوانندگان روز نگار: «از گفتن جمله های زیبا خسته شدم. دوست دارم زیبا زندگی کنم»

## «نمایش خاله سوسکه»



🎭 مسابقه ایران

گروه «آفرینش» اصفهان روز سوم جشنواره، دومین نمایش خود را روی صحنه می بزد، تا در نهایت تکلیف خاله سوسکه ی معروف قصه ها، این بار در همدان، واقعاً روشن شود. تا شاید عمورمضان را در جولان یا کلبا و یا بازار مظفریه ی همدان بیابد. اگر شما خاله سوسکه ی اصفهانی ها را دیدید، از قول من بگویید که سری هم به بازار سنتی خیابان اکباتان همدان بزنند. قول می دهیم هر چه موش هست، از آن حوالی دور کنیم تا آخر قصه برای یک بار هم که شده، با عمورمضان عروسی کند، نه با آقا موشه. اگر هم نشد، سری به دفتر روزنگار بزنند. ضرر نمی کند...

بگذریم، اعظم مختاری این بار در مقام کارگردان، می خواهد بخت خاله سوسکه را باز کند و در این کار خیر، سحر رضانی، نسرين رجیبان، فاطمه طاهری، شکبیا مسیبی، آمنه موسوی، مرضیه فهردت، نرگس اسکندری، آرزو محسنی و نغمه اندیک، در مقام بازیگر و م.آزاد در مقام نویسنده و مجید کیمیایی پور در مقام طراح صحنه، عروسک و لباس و عروسک ساز، با گروه همکاری می کنند، تا در این کار خیر بیشترین ثواب را ببرند (خدا خیرشان بدهد). برای این کار خیر، پویا فرهنگ پژوه موسیقی ساخته است و آصف روشنایی هم تنبکش را می زند. طراح کارت دعوت عروسی... ببخشید، طراح بروشور هم سما عطریان است.

اعظم مختاری متولد ۱۳۶۲، کارشناس آموزش ابتدایی است. کار نمایش را از سال ۱۳۸۲ و زیر نظر استادش مجید کیمیایی پور، با نمایش کودک آغاز کرده است. وی در ۸ نمایش ایفای نقش نموده و ۶ نمایش را کارگردانی کرده است.  
«روزی کودک از پشت بام آسمان به ما می خندند، و ما نمی توانیم سرمان را بالا بگیریم» این هم، جمله ی یادگاری مختاری بود.

## «نمایش تصمیم تصمیم»



🎭 مسابقه ایران

مهدی فرشیدی  
سپهر در مقام کارگردان، اعضای مستقل گروه های نمایشی را گرد هم آورده است، تا بچه ها، مجموعه ی تصویری غنی تری از تجربیات پیشینیان شان را ببینند. سعی گروه بر این بوده است که در این اجرا، بر شکل و محتوا هر دو تمرکز کنند. داستان ها از دو پایگاه ایران کهن و ایران امروز انتخاب شده اند. شکل اجرا نیز ترکیب ادوات دیجیتالی و عناصر بصری مرسوم است، که همه ی این زحمات، نمایش «تصمیم تصمیم» را خلق کرده است.

نمایش «تصمیم تصمیم» روایتگر دو داستان است، که یکی پس از دیگری روایت می شوند. اولی افسانه ای است خراسانی، که سرنوشت سیمرغ و لیلا و تقدیرنویس است، و دومی افسانه ای است تهرانی، که در آن دختر کوچکی به شهر پا می گذارد، تا به تنهایی و بدون کمک کسی، به دیدار معلم محبوبش در آن سوی تهران برود. مهدی فرشیدی سپهر علاوه بر این که نویسنده و کارگردان نمایش است، طراحی صحنه، لباس، ماسک، طراحی ایده پردازی انیمیشن و جلوه های تصویری و استوریبرد را هم بر عهده دارد. پارمیلا عزیزی نژاد، مریم اکبری، مهدی فرشیدی سپهر و آنالی شکوری هم بازیگران این نمایش اند، و غزاله مرادیان، حمیدرضا مرادی و هوتن شکبیا هم، صدایشگان این نمایش هستند و بامداد افشار هم، موسیقی را ساخته است و ساخت انیمیشن و جلوه های تصویری را مهراگان گل محمدی عهده دار بوده است.

یادداشت فرشیدی سپهر را برای نشریه ی هجدهمین جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان:

«کودکان، موجوداتی ناز و بامزه، برای تخلیه ی احساسات رقیق و حس آموزگار بودن آدم بزرگ ها نیستند! آن ها، شکل اولیه ای از آدمیزادند. باید در باره ی آنچه آدمیزاد با آن سرو کار داشته یا دارد و خواهد داشت، با کودک حرف زد و با او در میان گذاشت. اگر جشنواره ی همدان و سایر گردهمایی های نمایش برای کودکان، از این حقیقت غافل بمانند، در حال پسروی هستند و هر ثانیه ای که به اجرای این حقیقت نزدیک تر می شوند، مفید و پیشروتر خواهند شد»

## «نمایش شب اسرار آمیز په په»



🎭 مسابقه بین الملل

شیطنت های نوجوانان و تأثیرات آن در آینده ی آن ها، بهانه ای شد تا احمد سلیمانی، دانشجوی کارشناسی نمایش دانشگاه آزاد اسلامی اراک، نمایش «شب اسرار آمیز په په» را که متن آن را محمد رضا کوهستانی نوشته است، به روی صحنه بیاورد.

«په په» پسر بچه ی شیطان و بازیگوشی است، که در یک شب اسرار آمیز، در نبود پدر و مادرش، پیشخدمت خانه را مجبور به انجام کارهایی عجیب می کند. این اتفاق زمینه ساز حضور شعبده باز در خانه ی په په می شود، در حالی که او خبری همچنان انگیز و هدیه ای ویژه برای په په آورده است، اما هنوز لحظاتی از حضور شعبده باز نگذشته است که ناگهان...

تعجب نکتید، ۳ نقطه ی پایانی خلاصه ی نمایش، یک ترفند قدیمی کارگردانان است، تا کل داستان نمایش را به این شیوه قطع نمایند و با وجود این که از تمامی کارگردانان درخواست کردیم تا از این ترفند استفاده نکنند و برای خوانندگان روزنگار، تمامی داستان را بنویسند، اما احمدآقا نشان داد که همچون پسر بچه ی نمایشش، شیطان و بازیگوش است. پس ما هم ۳ نقطه دیگر به آن اضافه نمودیم تا بشود ۶ نقطه و احمدآقا حالش را ببرد.....

بگذریم، احمد سلیمانی سال ۱۳۵۴، در قم متولد شده است. مجید امیری، حمید لاجوردی، ماشالله کوهستانی، محمد جواد پیروزی، مهدی نیکروش، نیما سیاری، الهام رسولی در نمایش وی بازی می کنند و مهدی نیکروش، طراحی صحنه و لباس این نمایش را بر عهده گرفته است. حامد جهان بخش آهنگساز، محمدرضا آزاد طراح نور، و محمدرضا دوست محمدی، طراح پوستر این نمایش اند و احمد سلیمانی را در این نمایش همراهی کرده اند.

یادگاری احمد سلیمانی را با آن سه نقطه های معروفش بخوانید:  
«شب ها همیشه اسرار آمیزند! اما آن شب، اسرارآمیزترین شب په په بود، شبی پر رمز و راز و مهمان هایی پر رمز و راز تر...»



### هم زمان با برگزاری جشنواره، متأسفانه خبر دار

شدیم دو تن از پیشکسوتان عرصه ی تئاتر استان، آقایان حسین صفی و مرتضی تحصیلی، در غم از دست دادن پدران عزیزشان سوگواری کرده اند. ضمن آرزوی مغفرت برای آن سفر کردگان، طول عمر همراه با عزت و سلامتی را از درگاه ایزد منان برای خانواده های محترمشان مسئلت داریم.

### در اجراهای گروه های خارجی، سالن پلاتوی مجتمع

فرهنگی هنری بوعلی، بازیگران دیالوگ های خود را به زبان فارسی اجرا کردند. دو بازیگر نمایش «قطرات کوچک» از ایتالیا و همچنین عروسک گردان نمایش پولچینا هم، دیالوگ های خود را به فارسی اجرا کردند، که باعث ارتباط بسیار خوبی با مخاطبان شد.

### کارگاه ساخت اشکال نمایشی با گل رس و رنگ

آمیزی نقاب های نمایشی ویژه خردسالان، کودکان و نوجوانان، در غرفه ی تکنولوژی آموزشی، واقع در مجتمع فرهنگی و سینمایی شهید آوینی برگزار می شود، و همچنین گریم کودکان به شکل صورتک های نمایشی هم، که در این غرفه عرضه می شود هم، بسیار مورد استقبال مراجعه کنندگان قرار گرفته، و همچنین در این غرفه، وسایل کمک آموزشی مخصوص این گروه سنی عرضه می شود.

### داوران کودک و نوجوان در یک نشست صمیمی، به

دیدار «استاد داوود کیانیان» رفتند. کیانیان، از نویسندگان و کارگردانان پیشکسوت عرصه ی نمایش است، که در کارنامه ی درخشانش، تألیف چندین جلد کتاب به چشم می خورد.

### شب گذشته در سالن اجتماعات مجتمع فرهنگی

و سینمایی شهید آوینی، نشست مطبوعاتی با حضور دبیر جشنواره؛ «شهرام کریمی» و مدیر اجرایی جشنواره «محمد حسین ترکمن» و جمعی از خبرنگاران و نمایندگان نشریات استان برگزار گردید.

### به دلیل استقبال زیاد همدانی ها از تئاتر های

خارجی، این نمایش ها با یک سانس ویژه، بار دیگر به روی صحنه رفتند. یکی از جذابیت های این نمایش ها، آشنایی هنرمندان و تماشاگران با هنر و تجربیات گروه های خارجی است. همچنین فارسی صحبت کردن بازیگران این نمایش ها، باعث جذابیت دوچندان آن ها شده است.

### از روز یکشنبه، نشست ها و کارگاه های تخصصی تئاتر

در سالن سینما کانون و پلاتوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، توسط اساتید ایرانی و خارجی برگزار می شود، که مورد توجه علاقه مندان هنر نمایش قرار گرفته است.

**تقدیر از ۳ نشریه**  
بر اساس اعلام مدیر اجرایی جشنواره، از ۳ نشریه تقدیر می شود. وی در ادامه خاطر نشان کرد، از ۳ نشریه که بیشترین پوشش خبری را از جشنواره داشته اند، با اهداء جوایز ارزنده ای تقدیر خواهد شد.



### نمایشگاه پوستر پوشش و حجاب در سیر تاریخ

نمایشگاه پوستر پوشش و حجاب در سیر تاریخ، در سالن مجتمع فرهنگی و سینمایی شهید آوینی و مجتمع فرهنگی و هنری بوعلی سینا بر پا شده است. در این نمایشگاه، فلسفه ی پوشش و حجاب در تمدن های بزرگ دنیا مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. همچنین در این نمایشگاه، پوشش و حجاب در ایران پیش از اسلام و بعد از اسلام، مورد بررسی قرار گرفته است.



### عفاف و حجاب در جشنواره

قائم مقام مدیر اجرایی هجدهمین جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان، از اهدای جایزه به گروه برگزیده ی عفاف و حجاب، توسط داوران کمیته ی ارزیابی جشنواره خبر داد. فروتن در این خصوص افزود: رعایت حجاب و عفاف، نکات اخلاقی و حفظ شرایط و قوانین جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان در محل اقامت از سوی هنرمندان شرکت کننده در جشنواره، توسط داوران کمیته ارزیابی بررسی می شود و جایزه ی برتر الگوی عفاف و حجاب، در مراسم اختتامیه ی جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان به گروه برگزیده اهدا می شود.



### شور و حال کودکان و نوجوانان همدانی، برف همدان را نوب کرد

سومین روز جشنواره در حالی آغاز شد، که برف سراسر استان را سفید و شاد کرد، تا میهمانان جشنواره علاوه بر پاییز همدان، زمستان آن را هم ببینند. این در حالی است که سرمای همدان نتوانست بر حضور گرم و پر شور دانش آموزان غلبه کند و دانش آموزان، با حضور پر شور خود گرمای سالن های نمایش را دو چندان کردند.



### اجرای نمایش های کودک و نوجوان در شهرستان های استان

به گزارش نصرت الله رضانی (مسئول کمیته ی شهرستان ها)، در همه ی شهرستان های استان هم تئاتر های کودک و نوجوان اجرا می شود. رضانی افزود: علاوه بر اجرای نمایش، کودکان همه ی شهرستان ها طولانی ترین نقاشی را هم در شهرستان هایشان می کشند.



### داوران کودک و نوجوان با داوران بخش مسابقه ی ایران دیدار کردند

داوران کودک و نوجوان در هتل باباطاهر، طی جلسه ای با داوران بخش مسابقه ی ایران، به گفت و شنود پرداختند. در این جلسه، هنگامه مفید، بهرام شاه محمدلو و رضا فیاضی به همراه شهرام کریمی (دبیر جشنواره) به صحبت های داوران کودک و نوجوان گوش داده، و سوالات آن ها را پاسخ داده و در انتها، داوران کودک و نوجوان از راهنمایی های این پیشکسوتان عرصه ی نمایش کودک و نوجوان در امر داوری بهره ی بسیار بردند.



### اجرای نمایشنامه خوانی در سینما کانون

اجراهای نمایشنامه خوانی با هدف آشنایی کودکان و نوجوانان با ادبیات نمایشی و همچنین فعال سازی ذهن این گروه سنی، توسط گروه نمایش آنو انجام می گیرد. گفتنی است که این گروه، امروز ساعت ۲۰ اجرا خواهد داشت.



## تئاتر مدرن کودک و خلاقیت نمایشی کودکان

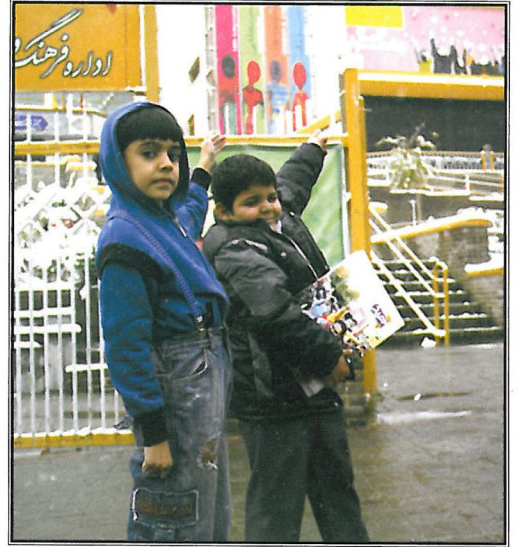
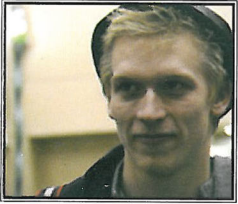
منوچهر اکبرلو

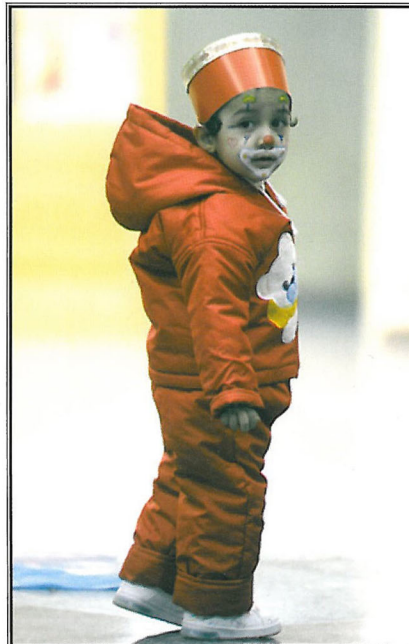
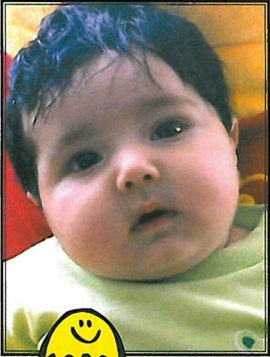
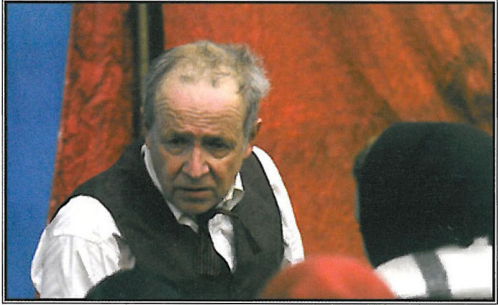
رییس انجمن تئاتر کودکان و نوجوانان

روند تعلیم و تربیت امروز به سوی خلاقیت در آموزش هنر (موسیقی، نمایش، نقاشی و...) پیش می رود. خلاقیت را می توان به معنای زندگی بخشیدن، ساختن یا پدید آوردن چیزی در نظر گرفت. امروزه توان هنرهای نمایشی به عنوان یک نیروی آموزشی شناخته شده است. خلاقیت نمایشی را می توان یک نیروی حیاتی برای پرورش ذهن و شخصیت دانست. شخصیت آفریده می شود، در حالی که هنر نمایش می تواند سنگ بنای آن باشد. مشکل عمده در عدم شناخت ارزش خلاقیت نمایشی کودکان نیست، بلکه در ابهامی است که در اذهان مربیان تعلیم نیافته ای وجود دارد که نمی دانند چگونه به نتایج مؤثر برسند. این امر ناشی از آن است که خلاقیت نمایشی، در مقایسه با سایر جنبه های هنر، نوعی زمینه ی آموزشی جدید و در واقع تغییری در جنبه های مورد تأکید است. در گذشته تأکید بر حاصل کار گروهی و طرز بیان فصیح و حُسن اجرای فردی بود. نمایش پیش از هر چیز به

صحنه و بازیگران تعلق داشت و بقیه ی کودکان به عنوان تماشاچی در کار سهیم بودند. اما امروزه دیدگاه ها متفاوت شده است. در مورد نقش چشمگیر این تحول، همین بس که اندیشمندان دریافته اند که در درون اکثر ما یک حس نمایشی وجود دارد که از آن به خلاقیتی رضایتمندانه دست می یابیم. در زمینه ی تئاتر کودکان نیز، بینش جدیدی نسبت به توان خلاقیت نمایشی کودکان ایجاد و ذوق فطری کودکان در ایفای نقش، که درونمایه ی نمایش است، به عنوان وسیله ای مؤثر در آموزش شناخته شده است. نقایص و نقاط ضعف این نوع تئاتر رسمی، به خصوص برای کودکان خردسال، کاملاً آشکار است؛ هیجان ناشی از تحریک بیش از حد، رقابت ناسالم و تصنعی بودن بیان و حرکات متداول. این بازی ها به هیچ وجه زاینده ی ذهن کودک نیستند. ارتباط بین تئاتر رسمی و بازی های خلاق از حس دراماتیک ذاتی که در درون همه ی ما نهفته است نشأت می گیرد. نوع قدیمی تر تئاتر تنها افراد با استعداد را در برمی گیرد، حال آنکه خلاقیت نمایشی از این حس دراماتیک همگانی به عنوان یک وسیله ی آموزشی استفاده کرده و شادی را که نتیجه ی ایجاد یک روزنه ی احساسی خلاق در فرد است، در او پرورش می دهد. تغییر نمایش رسمی به غیر رسمی از طریق شناخت تدریجی توان خلاقیت های نمایشی برای همه ی کودکان ایجاد شده است. ما هم با این زمانه پیش برویم!







## نگاهی به نمایش «نوازنده ای که ماه را می نواخت»



نویسنده: مجید بور بور  
کارگردان: حسین چراغی

بد نیست اشاره ای کوتاه و مختصر به تئاتر تجربی داشته باشیم، و بدانیم چه ویژگی ها و معیارهایی باید در این گونه ی نمایشی به کار گرفته شود. تئاتر تجربی و خلاق، نه به معنای این که گروهی تازه کار می خواهند تجربیات جدید خودشان را به مرحله ی اجرا برسانند و نتیجه و ارزیابی آزمایش ها پیشان را ببینند، بلکه به معنای اخص کلمه، نشان دادن تجربیات گروهی حرفه ای و با تجربه است، که تمامی مکاتب و گونه های نمایشی را آزموده و از آزمون، موفق و سربلند بیرون آمده اند و حالا می خواهند دست به تجربیات جدید و بدیع بزنند، تا نتایج چندین سال کار خود را ببینند.

به جاست که بگوییم نمایش «نوازنده ای که...» کاملاً ویژگی های یک نمایش خلاق و تجربی را به معنای درست تعریفی که ذکر شد، از خود نشان می دهد. تئاتری که می توان از رفتار و نشانه های درست آن، به حرفه ای بودن و با تجربه بودن گروه پی برد. این نمایش در نگاه نخست، با ایجاد فضایی خلاقانه و طراحی صحنه ای کاربردی و به جا، سعی در معرفی موقعیت های مختلف نمایشی دارد، و تا انتها به درستی این حرکت را ادامه می دهد، بی آن که در وسط راه متوقف شود. کار بزرگ تر را بازیگران نمایش انجام می دهند، زیرا با وجود تعداد کم (دو بازیگر) در صحنه، کارگردان باید فضاهای متنوع و پویایی را طراحی کند، که کار دچار رکود و کسالت نشود. اما بازی بازیگران، از طراحی های متنوع و خلاقانه ای بهره می بَرَد و در ایجاد ارتباط با مخاطب، موفق عمل می کند. حتی لحظاتی که بازی در بازی های کوچکی هم شکل می گیرد، بازیگران به درستی نقش های خودشان را بازی می کنند، و در آن لحظات که تپ می شوند، باز هم ایفاگر نقشی باور پذیر هستند. تنها نکته ای که ذهن مخاطب را شاید درگیر خود کند، مسئله ی انتخاب روایت داستان است. چرا که تعریفی که ما از بیان روایت دراماتیک داریم، با آن چیزی که می بینیم - هر چند جذاب و زیبا - دچار تناقض است. در واقع ما روایت اصلی را از زبان شخص سوم می شنویم، که حکایت را بازگو می کند، اما یک بار دیگر تمامی آن چیزهایی را که می شنویم، بازیگران به تصویر درمی آورند. شاید بهتر بود که برای دوری از این اتفاق تکراری، حین گفتن روایت داستان از زبان سوم شخص داستان، تصاویر دیگری توسط بازیگران، که در راستای انتقال همان مفاهیم نمایشی که در راستای متن اصلی است، به اجرا در می آید تا مخاطب بیشتر بتواند به دنبال کشف و شهود و ایجاد ارتباطی منطقی در کار باشد.

نکته ی دیگری که باید به خوبی از آن یاد کرد، موسیقی است که از آن به جا و کاربردی استفاده شده است. نه فقط برای تغییر فضای حالات کودک و درست کردن موقعیتی شاد و کودکانه، که در این نمایش، موسیقی هم به عنوان یک شخصیت وارد داستان می شود و هنگام نیاز و ضرورت، حرفش را می زند. توانایی بازیگر مرد نمایش ستودنی است، که بی هیچ اغراق و درشت نمایی، می تواند تمامی توانایی هایش، از جمله نواختن ساز را در نمایش به کار گیرد. در نهایت آرزوی پایداری و پیگیری این گونه آثار نمایشی خلاق و بدیع را برای گروه نمایش «نوازنده ای که...» داریم.

**نیما بیگلریان**  
کارشناس ارشد ادبیات نمایشی  
عضو کانون خانه ی تئاتر ایران

## نگاهی به نمایش «حسنی و دیوها»



نویسنده: محمد حسین ناصر بخت  
کارگردان: مجید کیمیایی پور

نمایش نامه روایت شخصیتی به نام حسن کچل را بازگو می کند، که این بار بر خلاف دیگر روایت هایی که تا حالا از حسن کچل شنیده ایم، سعی دارد تا از جنبه ای دیگر به این قصه نگاه کند. این نگاه تازه را می توان یکی از نقاط قوت کار در نمایش نامه دانست. سادگی انتقال مفاهیم قصه به شکل اخلاقی و آموزشی را، می توان از دیگر نکات مثبت متن برشمرد. نویسنده، با ساختار و اصول درام نویسی تئاتر کودک و نوجوان آشناست، و در ارائه ی آن به زبان نمایشی و اجرا، موفق عمل می کند. در واقع می توان گفت که تغییر خلق و خو و روحیات و رفتار شخصیت (حسن کچل)، به خوبی در سیر نمایش پیش می رود و تا انتها به شکل دقیق و درستی به نتیجه گیری می رسد. شخصیت اصلی نمایش نامه، همان حسن کچل است که در برخورد با یک سری اتفاقات و نیازهای زندگی، مجبور به تغییر روش و شیوه ی زندگی است و در تقابل با تمامی مشکلاتی که از قبل نسبت به آن ها آگاهی و پیش فرضی ندارد و در بسیاری از مواقع، تحت تأثیر آن ها قرار می گیرد، نشان دهنده ی تغییر رفتار شخصیت حسن کچل است، که کلاً تأثیر گذار است. در این نوع نگاه دیگر نمی توان نویسنده را به کنش های از پیش تعیین شده در ذهن مخاطب محکوم کرد. آگاهی، خرد و اندیشه، ویژگی اصلی کاراکتر اصلی نمایش نامه است که نویسنده، بار آموزش و تجربیات بینشی را به دوش شخصیتی می اندازد، که مخاطب کودک از ابتدا با او همسو و نزدیک است. به صحنه آوردن شخصیت های قوی و محکم در یک اثر نمایشی، به مخاطب قدرت تفکر می دهد و مخاطب، به ویژه کودک و نوجوان، دوست دارد با راه کارهای جدید و خلاق، به رفع مشکلات خود پرداخته، و در نهایت خودش را قهرمان اصلی داستان بداند. بیرون آمدن شخصیت حسنی از پوسته ای که برای خودش ساخته، کنشی است ابتدایی، که با میان آوردن شخصیت های فرعی به خوبی در پیشبرد اتفاقات جانبی که در مسیر راه، به موازات قصه ی اصلی حرکت می کند، به تصویر در می آید.

تجربه و شناخت آگاهانه و دقیق نویسنده از نمایش کودک، در زبان شناسی هم رسوخ می کند و استفاده از کلام ساده و صریح، از ویژگی های بارز متن است. در نگاه دوم، که از منظر اجرا به آن پرداخته می شود، مسئله ی ارتباط میان متن نمایشی و شیوه ی اجرایی است. چرا که قبل از هر چیز، کارگردان باید با انتخاب فضای درست و دقیقی از کار، بتواند این اندیشه ی متن را به شکل درستی به مخاطب انتقال دهد. استفاده از طراحی صحنه ی خشک و غیر کاربردی و نامتجانس با تئاتر کودک، ضربه زنده است. این وظیفه ی کارگردان است که با طراحی صحنه ای که برای نمایش کودک انجام می دهد، با ساخت فضاهای شاد و کودکانه، از منظر روانشناسی کودک برای ایجاد ارتباط، به شکلی خلاقانه و بدیع دست پیدا کن، حتی می توان گفت که در انتخاب متریل (ابزار و نوع جنس) وسایل صحنه هم به درستی گزینش نشده است. از جهت دیگر، کارگردان نمایش با فضا سازی و طراحی های متنوعی که با بازیگران ایجاد کرده است، توانسته کمبودهای صحنه را جبران، و در راستای خلق فضاهای نمایشی لحظات خوبی را ایجاد کند.

## نگاهی به نمایش «سه شگفت انگیز»



کاری از گروه دانمارک

داستان غریب سه نوازنده که در آرزوی ساختن بزرگ ترین آهنگ جهانی هستند، و می خواهند با این اثر جهانی به دور دنیا سفر کنند و شاهکار موسیقی شان را به گوش همه برسانند. استاد و آهنگ ساز اصلی گروه، دیگر خلاقیت ذهنی ندارد و قادر به ساخت آهنگ نیست و مدام با دو نوازنده اش، کارل و کالین اختلاف نظر دارد و حاضر نیست از خلاقیت دو همکارش استفاده کند. کارل در مواقع بیکاری آهنگ می سازد، ولی استادش فکر می کند که این آهنگ ها تراوشات ذهن خود اوست. دو همکارش احساس می کنند که کار استادشان تمام شده. رویاهای هر یک از آنان در ذهن شان تحقق پیدا می کند. کارل که همیشه آرزوی ملحق ماندن در فضا راه در ذهن خود می پروراند، با نواختن ترومپت و بادشکن بادکنکی در دهانه ی ترومپت، به رویاهایش دست می یابد و در ذهنیت اش کیسه های ابر در صحنه پاد می شود و کارل در میان ابرها معلق می ماند و رویاهایش شکل عینی پیدا می کند. کالین هر روز در ذهن اش سفر و قایق و دریا را می بیند و در خیال، با چمکان کوچکش که به قایق تبدیل می شود، سفر ذهنی خود را تجسم می بخشد. استاد که در ساخت آهنگ بزرگ خود ناکام مانده است، رویای دیدار ماریا را دارد. با برداشتن جعبه ی یادگاری ماریا و نواخته شدن یک آهنگ از درون جعبه ی عروسک (ماریا) از کیسه ای بیرون می آید و هر دو به ملاقات یکدیگر می شبانند.

جان بخشیدن به رویاها و ذهنیات سه نوازنده در صحنه با ابزارهای از پیش طراحی و ساخته شده، تصاویر بدیع و زیبایی از ذهن سه نوازنده خلق می شود، که دیدنی است. بازیگران، خلاق و مسلط در صحنه ظاهر می شوند و اجرائی زیبا ارائه می دهند، که بینندگان نمایش «سه شگفت انگیز» را محو صحنه می کنند. هر سه بازیگر، تسلط کامل به نوازندگی ساز های مختلف، و خوانندگی و بازی های ماهرانه دارند.

«سه شگفت انگیز» نمایشی است با اجرایی خلاقانه، که در کمال استادی به صحنه می آید. به نظر می رسد که مخاطب این نمایش، نوجوانان باشند. دیالوگ های کوتاه و پر معنی که به صورت بالا نویسی می آید، مشکل زبان را تا حدود زیادی حل کرده است. استفاده از ابزارهای مختلف در تئاتر کودک، نیازی مبرم و مسلم است، چرا که تصویر سازی ذهنی، بی شک نیازمند این گونه ابزارهاست که تخیلات و ذهنیت را خلاقانه بازسازی می کند. امید که گروه های تئاتری ما هم، استفاده از ابزار های صحنه ای را تجربه کنند، چرا که با ساخت و پرداخت ایده های ناب نمایشی، می توان به ثبت آثاری ماندگار دست یافت و مخاطب کودک را برای مدت های طولانی با خود درگیر کرد. کارگردانی و بازیگری در این نمایش به قدری در هم گره خورده اند که نمی توان هیچ کدام از آنها را از همدیگر جدا ساخت.

## نگاهی به نمایش «پولچینلا»



کاری از گروه ایتالیا

نویسنده و کارگردان: گاسپار ناسوتو  
پولچینلا، عروسکی است قدیمی و شناخته شده در ایتالیا، چیزی شبیه عروسک آشنای مبارک در ایران. این نمایش بیشتر بر مهارت های عروسک گردانی استوار است. کم دیالوگ و پر حرکت در فضایی کوچک شبیه خیمه شب بازی ایرانی. فرهنگ نمایش عروسکی ایتالیایی ها، کمی به فرهنگ نمایش ایرانی نزدیک است. «پولچینلا» بازیگوش و سرخوش با هر حیوان و انسانی که رویه رو می شود، درگیری فیزیکی پیدا می کند، حتی رو به رو شدن با مرگ و مقاومت در برابر او. برخورد عروسک ها فضاهای طنزی را به وجود می آورند که کودکان و حتی مخاطبین بزرگسال هم، در این ارتباطات طنزآمیز از خنده بی نصیب نمی مانند. تسلط عروسک گردان در حرکت دادن عروسک ها، بسیار ماهرانه و دیدنی است. حرکت ها بر حول محور میزانشن های از پیش طراحی شده، که در محیطی کوچک تصاویر زیبایی را ایجاد می کند. عدم ثابت بودن عروسک ها، تنش زاست و این خود در جذب مخاطب در فضایی پر هیجان، ریتم و هارمونی قصه را سرعت می بخشد. و صحنه ی نمایش را برای مخاطب دلپذیر می کند. نمایش عروسکی «پولچینلا» ویژه ی کودکان است. گروه اجرایی می دانند که برای چه گروه سنی کار آماده کنند. حرکت و تصویرسازی عروسک ها، مبحث دیالوگ را منتفی کرده است. در واقع همان زبان بین المللی حرکت و نماد، مشکل عدم درک زبانی را از دو سوی اجرا کننده و مخاطب حل کرده است. نمایش «پولچینلا» از نقاط مثبت فراوانی برخوردار است، که نشان از قوت اجرایی آن دارد، که صحنه را به جعبه ی جادویی تبدیل می کند. «پولچینلا» نمایشی است بسیار و قابل اجرا در هر مکان و زمانی. می توان این نمایش را در محیط های کوچک آموزشی، به سهولت اجرا کرد. در واقع این اجرا الگویی است برای هنرمندان آثار کودک ایرانی، که چگونه می توان در ساده ترین شکل ممکن در هر محیطی برای کودکان نمایش اجرا کرد.



«آقای حکایتی؛ یعنی کودکی، یعنی نوستالژی، یعنی مرور خاطرات دور و دوست داشتنی، یعنی... / شهرام بزرگی»  
**شاید برای شروع بحث بهتر باشد که از خودتان شروع کنیم.**

**چه شد که تئاتر کودک و نوجوان را انتخاب کردید؟**

ماجرای مفصلی دارد. اما اگر بخواهم از نظر زمانی بگویم، شروع فعالیتیم برمی گردد به سال ۱۳۵۰ و گروه نمایش کودک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، که آن موقع متولی تئاتر کودک و نوجوان بود، و ما با کمک تعدادی از دوستان، یک گروه حرفه ای را در آن جا تأسیس کرده بودیم. و طبیعتاً به شکل کاملاً علمی و با نگاه کاملاً متفاوت به بخش کودک - در مفهوم کلی اش - و بخش خردسال و نوجوانان - با تمام تفکیک هایش - پرداخته می شد. من آن زمان دانشجو بودم، و ذهنم این آمادگی را داشت، که بتوانم با این مقوله ارتباط برقرار کنم. و چون نگاه ما کاملاً یک نگاه کاربردی و حرفه ای بود، این رگه ها و زمینه ها، از راه های مختلف، در همان زمان ها شکل گرفت، و همراه آن، چون هنوز ذهنیات و روحیات کودکی ام هم چنان پابرجا بود و از آن فاصله نگرفته بودم - و هنوز هم زیاد فاصله ندارم - بنابراین، کشف تازگی های روحی و روانی و عاطفی خودم در دوران کودکی، شاید اصلی ترین عاملی بود، که این پیوند را با کانون پرورش فکری برقرار کرد، و این باعث شد که به کشفیات و موقعیت ها و راه و روش هایی برسیم، که تا آن لحظه اتفاق نیفتاده بود. و این شد مبنای کاری ما برای یک مقطعی، که از آن مقطع به بعد، نگاه های دیگری در خانواده ی مخاطب کودک و نوجوان انجام شد، و شیوه های اجرایی متعدد و متفاوتی در آن به وجود آمد، که خودش بخش عمده ای از تاریخ تئاتر کودک و نوجوان در زوایای مختلف است. چه تولید، چه آموزش، چه اجرا، چه تحقیق و پژوهش، و چه ارتباط های مختلف با مخاطبان. در واقع، برای من یک آزمایشگاه پیچیده بود، که خوشبختانه برای خودم، نتایج بسیار مثبتی را بر داشت. و باعث شد که همیشه و تا این لحظه، به این مقوله - به این علم و هنر خالص - همیشه پرداخته و می پردازم، و هنوز هم این ارتباط را با کودکی های خودم و دیگران، می توانم برقرار کنم. پس عامل اصلی انتخاب تئاتر کودک و نوجوان، برمی گردد به خودم و موقعیتی که ایجاد شد، و این ها با هم تلفیق، و باعث شکل گیری خیلی چیزها در من، و برای من شد.

**به این ترتیب، و با توجه به فرآیند پیشرفت کارهای شما، می توانیم بگوییم که به صورت خیلی طبیعی، شما بعد از مدتی، یک قالب خاص را انتخاب کردید، که اگر اشتباه نکنم، نامش همان «قصه پردازی نمایشی» است. چه شد که به این قالب و شیوه ی کاری رسیدید؟ اصلاً قصه پردازی نمایشی چیست؟**

قصه پردازی نمایشی، یک مجموعه شیوه هایی ست، که در زمان های بعد از آن دوره ای که گفتیم، اتفاق افتاد و شکل گرفت. و این خودش متأثر از تجربیات مختلفی بود، که از یک دوره ی زمانی می آمد، که من در آن زمان، تئاتر کودک کار می کردم، و زمینه اش از آن جا شکل گرفت. و آن موقع، روش کاری ما و حواشی اش، شامل یک مجموعه تکنیک ها و شیوه هایی بود، که از آن به عنوان «تئاتر بداهه سازی»، یاد می کنند. دو سه کار در این زمینه داشتیم، که بعد از مدت ها کار با گروه، این ها به صورت بداهه اجرا می شد، و همه ی این کارها تجربه بود و حاصل تجربیات، دوباره نتایج تازه ای را به ما می داد و باز هم مسیر جدیدی را باز می کرد، برای رفتن و کسب تجربیات تازه تر. مقوله ی «قصه پردازی نمایشی»، یک بحث بسیار وسیعی است. قصه تعاریف مختلفی دارد، که ساده ترین این تعریف ها، آن است که ما ماجرا یا اتفاق و موضوعی را برای کسی بیان کنیم. این بیان کردن، می تواند به شکل و شیوه ها و قالب ها و روش های مختلفی انجام گیرد. می تواند عامیانه، ساده و یا اساطیری و... باشد. هر کدام از این ها، قالب خودشان را دارند و پیدا می کنند. بخش عمده ای از قصه های ما، به گذشته برمی گردد؛ قصه های عامیانه، قصه های شفاهی، قصه های سینه به سینه و مکتوب و... نهایتاً، جمله ی «قصه پردازی نمایشی» را، می توان این گونه توضیح داد که: کلمه ی «پرداخت» مفهوم روشنی برای خودش دارد. ما اگر کار را بخواهیم به شکل نهایی درآوریم - آنچه که مد نظرمان است - چه از نظر زیبایی شناسی، چه از نظر حجم و اندازه، و چه از نظر عصاره شدن، باید برایش توان وقت بگذاریم، تا به شکل زیبایی درآید، و این، همان پرداخت است.

پس «قصه پردازی نمایشی» یعنی این که ما، هر قصه ای را که انتخاب می کنیم (چه قصه ی خودمان و چه

قصه ای که از گذشته بوده)، و بخواهیم آن را پردازش کنیم، باید قالب، موضوع، شخصیت و خط داستانش... را پیدا کنیم، و آن را در قالب اصلی ای که برایش در نظر گرفته ایم، قرار بدهیم و به اصطلاح، آن را چکش کاری کنیم، تا پرداخت شود. و وقتی که این کار را بکنیم، قصه شکل نهایی اش را پیدا می کند، و به این شکل نهایی، و وقتی که چهارچوب درام را هم اضافه کنیم - یعنی به آن قالب جدید بدهیم و بیاوریمش در چهارچوب نمایش - «قصه پردازی نمایشی» شکل می گیرد. و این فرم جدید، بسیار وسیع است و باید به دقت به آن وارد شد؛ با شناخت و آگاهی کامل به تمام جوانب اش.

**مجموعه ی «زیر گنبد کود» یا همان «آقای حکایتی» معروف، اولین تجربه ی شما در این قالبی که تشریح کردید، به حساب می آید. به نظرم شکل کار به این صورت بود، که موضوعی انتخاب، و از آن موضوع، قصه ای ساخته می شد و بعد از پرداخت، قالبی نمایشی به خودش می گرفت و بعد هم در مرحله ی بعد، در قالب ابزار نمایشی جدیدی به نام تلویزیون، به مخاطب ارائه می شد. این چیزی ست که من، بر اساس توضیح شما، از آن مجموعه به یاد دارم و برداشتم به این شکل است. مجموعه ای که خوب به یاد ما بچه های آن نسل مانده، و این نشان می دهد مسیر به درستی طی شده.**

بله همینطور است. من معتقدم که هر آدمی، قصه ای برای خودش دارد، و به تعداد همه ی آن ها هم، قصه وجود دارد. به تعداد فرهنگ ها



## هر کسی قصه ی خودش را دارد

و سنت ها هم، قصه های مکتوب و شفاهی و فولکلور داریم. و به تعداد همه ی این ها، می توان قالب های مختلفی را تجربه کرد. علت، و یا بهتر بگویم، علت های ماندگاری «آقای حکایتی»، شاید این باشد که آن زمان، تلاش من بر این بود که هیچ قدمی در جهت تصنع برندارم، و اگر هم یک جایی برداشته شده، به سرعت آن را از بین ببرم. آن چه که به هر شکل و شیوه ای بوده، به واسطه و از طریق ارتباط عاطفی و انسانی با مخاطب، به وجود آمده. اگر یادتان باشد، این برنامه دو بخش داشت؛ در بخش اول، یک ماجرای اتفاق می افتاد و بازیگران درگیرش می شدند، و از لا به لای این درگیری، یک چیزهایی به مخاطب منتقل می شد؛ یک جور تعلیم غیر مستقیم زندگی. هدفمان تربیت نبود، آموزش بود. آن هم به صورت غیر مستقیم، به شکلی که واکنش منفی را در مخاطب ایجاد نکند. به همین خاطر بود که بچه ها با آن ارتباط برقرار می کردند و خودشان را در قالب بازیگران این کار می دیدند، چرا که آن ها آینه ی همین بچه های مخاطب بودند. در واقع، شکل انتخاب قصه ها و بازی ها و... به گونه ای بود که روند کلی کار، خودش مثل زندگی بود و زندگی در آن جریان داشت. یعنی از زندگی بلند می شد. با این اوصاف، پس کار ما پژوهش و تحقیق کافی و مبسوط احتیاج داشت. شناخت بچه ها بسیار مهم بود. و اگر هیچکدام از این عناصر نبود، این برنامه نمی توانست جای خودش را در میان بچه ها باز کند، و بعد از ۲۴ سال، هم چنان در ذهنشان مانده باشد و از یادآوری آن، احساس خرسندی کنند. با این تفاسیر، به نظر می رسد که این کار، نمونه ی خوبی از «قصه پردازی نمایشی» است.

**شما جزو اولین کسانی بودید که این قالب را تجربه کردید، چه نیازی در وجود شما، باعث این انتخاب شد؟**

خُب این کار، حاصل همان کارها و تجربیات گذشته ی ما در کانون پرورش فکری بود. بعد که ما وارد تلویزیون شدیم، اولین تله تئاترهای مخصوص کودکان و نوجوانان - با تفکیک سنی و تفکیک اطلاعات شخصی در هر سن - را انجام دادیم، و بعد، آن کارها دستمائی ی کارهای بعدی خودمان و دیگران شد و همین طور جلو آمد. و براساس همین تجربیات، این قالب (قصه پردازی نمایشی)، یکی از شیوه هایی بود که حاصل بخشی از تجربیات من در آن سال ها به حساب می آمد.

**تأثیر ادبیات و فرهنگ ما - چه مکتوب، چه شفاهی و فولکلور - در قصه پردازی نمایشی، چگونه است؟ و تأثیر متقابل آن چیست؟**

قبلاً توضیح دادم؛ هر گونه قصه، در هر سبک و روشی، می تواند در این قالب جای گیرد. هر گونه پرداختی روی قصه ها - چه روی شخصیت ها، چه روی خط اصلی قصه ها، چه روی تاریخ قصه ها و چه روی نوع قصه ها - می تواند انجام بگیرد. و در سوی مقابل، هر گونه قالب نمایشی هم، قصه ی خاص خودش را می طلبد. باید قالبی باشد که با قصه هم خوانی داشته باشد. باید این قالب در خور پرداختی که رویش صورت می گیرد، باشد. و در مرحله ی نهایی، می توانیم ابزار ارائه ی اثر را هم انتخاب کنیم؛ مثل تلویزیون، یا صحنه، یا رادیو و غیره. این تأثیر، متقابل هم هست. یعنی وقتی که قالب، قالب درستی باشد، می تواند به خوبی، فرهنگ و ادبیات ما را، به هر شکل و شمایل که باشد، معرفی کند و در تداوم و پایداری اش کمک کند. در این قالب جذاب، حتی مفاهیم ساده و ابتدایی هم می تواند ماندگار شود.

**در حال حاضر قصه پردازی در تئاتر کودک و نوجوان چه جایگاهی دارد؟**

من این روزها کاری در این زمینه ندیده ام و گمان نمی کنم در این خصوص، کاری هم انجام گرفته باشد!

**یعنی می توان گفت که عمر قصه پردازی نمایشی به سر آمده؟**  
 نه! به این شکل نیست. درست است که کار نمی شود، اما به اعتقاد من، این قالب می تواند برای صدها سال دیگر هم، استفاده شود. این شیوه، شاید برای مدتی فراموش بشود، اما از بین نمی رود. قصه پردازی نمایشی یک فرق با تئاتر صحنه دارد، و آن هم این که، اجرای قصه پردازی نمایشی به صورت زنده، جریان و تداوم دارد و قصه ی هر شبش، با شب دیگر فرق می کند و هر شب به تناسب تماشاگرانش، زنده تر می شود. اما تئاتر صحنه، پرونده اش هر شب بسته می شود.

**وضعیت تئاتر کودک و نوجوان را چگونه می بینید؟**  
 من فقط می توانم بگویم که؛ متأسفم. البته این ربطی به جشنواره ندارد. باید موقعیت های آموزشی را برای دوستان فراهم کرد و کارهایی را با کیفیتی مطلوب تر، به روی صحنه و مقابل دوربین برد.

## نگاهی به نمایش : "این همه غول"

هنگامی که نویسنده در آغاز کار، مخاطب را با گونه ی نمایشی خاصی مواجه می کند، باید تا انتهای نمایش، طبق همان الگوی اولیه پیش برود. چرا که هرگونه برش اجرایی، مخاطب را با فضای کلی کار بیگانه می کند. در نمایش «این همه غول» شخصیت پردازی به خوبی انجام نشده است. به گونه ای که نمی دانیم محور اصلی بر دوش چه کسی است؟ هر چند نویسنده، تمام سعی اش را می کند، تا تمام پار شخصیت اصلی را بر دوش پسر بیندازد، اما کاراکترهای فرعی و هم سو با بازیگر اصلی، به قدری در هم ادغام می شوند، که مخاطب را دچار سردرگمی می کنند. آنقدر قصه های فرعی در کنار هم چیده شده است، که اگر در هر کدام از آن ها تغییر و تحولی انجام شود، شاید لطمه ای به اثر نخورد. در صورتی که این حذف و اضافه در کار، نمی تواند نشانه ی خوبی باشد.

مخاطب هنوز نمی داند که چرا پسر، در زیرزمین خانه خودش را پنهان کرده است؟ هر چند نویسنده، تئلی و تن پروری را بهانه ای برای پیشبرد قصه ی اصلی خود قرار داده است، اما نمی تواند جواب قانع کننده ای را در متن ایجاد کند. ورود غول های مختلف در صحنه، می تواند عناصری باشند که فضا را به گونه ای تغییر دهند، که در فضای ماوراء و تخیل مخاطب به درستی بنشینند. اما باید بدانیم دلیل اصلی ورود هر کدام از شخصیت ها در نمایشنامه چیست؟ طولانی بودن قسمت دوم نمایشنامه، که با ورود غول ها آغاز می شود، می تواند به سرعت مسیر داستان را پی بگیرد و به سرانجام برساند، اما صحنه های مختلفی مانند: ورود پلیس به خانه ی پسرک و غولی که برای خوردن پسر آمده است و... همه شان داستاتک هایی هستند که می توانند در گیر و دار اتفاقات دراماتیک، به هم گره خورده و از زیاده گوئی و کش در بودن نمایشنامه بکاهد.

طراحی صحنه ی نمایش با تعریف و ساخت دو فضای متفاوت، سعی در باورپذیری صحنه های نمایش دارد. در ابتدای نمایش که قسمت خانه ی مرد و زیرزمین آن را تداعی می کند، صحنه به شکل زیبا و جذابی طراحی شده است. اما در قسمت دوم کار با ورود غول ها آغاز می شود، استفاده از آینه ای که به شکل مورب در انتهای صحنه نصب شده است، معلوم نیست که قرار است چه کمکی به کار بکند؛ آیا فقط صرف زیبایی و استفاده ی ابزاری از وسایل در صحنه، می تواند دلیل اصلی یک طراحی باشد؟ یا این که بهتر است طراحی صحنه، کاربردی و مفهومی باشد؟ تنها استفاده ی خوبی که از این قسمت می شود، بخش فیلمهایی به صورت انیمیشن است، که باز هم در نمایشنامه دلیل معرفی این شخصیت ها را، نمی دانیم چیست؟

کارگردانی هم در این کار دوباره است. به شکلی که سادگی و یک دستی ای که در قسمت های خانه، با افراد خانواده طراحی شده است، ساده و ملموس است و برای مخاطب، باور پذیر. اما در قسمت خواب یا خیال پسر، یک آشفتگی و شلوغی در کار دیده می شود، که گوئی در برخی از صحنه ها، بازیگران نمی دانند به دنبال چه چیزی هستند. هر بازیگر برای خودش به تنهایی خوب بازی می کند و تمامی سعی اش را می کند، تا به بهترین شکل دیده شود. اما به جای این همه تلاش فردی، بهتر بود یک هماهنگی و هارمونی بین بازیگران برقرار می شد، تا به کلیت کار کمکی دوچندان کند.

آخر نمایش با دیالوگ پسر به تمام می شود، که می گوید: «می خواهد برود تور ماهیگیری بیافد». اما نکته ای که باقی می ماند، متحول شدن پسر بعد از بیدار شدن از خواب، و تصمیم اش برای تغییر رفتارش است، با این که تا به حال، هیچ وقت چنین رفتاری نداشته. در صورتی که با بیدار شدن پسر از خواب، هنوز به قدرت تصمیم گیری و انتخاب نرسیده است، و مقداری زمان می برد تا به رفتارها و اتفاقاتی که در خواب برایش گذشته است، بیندیشد. گرچه عنصر خواب شاید دلیل خوبی برای متحول شدن پسر نباشد، و حتی جمله ی پایانی او که می گوید «می خواهد برود تور ماهیگیری بیافد» به شکل نامعلومی بیان می شود.

## معرفی فعالیت های مرکز استیج ایران



خود را آغاز نماید، با این رویکرد پس از معرفی نماینده ی استیج ایران به سازمان بین المللی، مقدمات تشکیل ساختار سازمانی این مرکز از ابتدای تیرماه سال جاری آغاز شد. آئین نامه مرکز ملی استیج ایران بر مبنای اساسنامه استیج بین الملل و اساسنامه کانون تنظیم شد و چارت سازمانی این مرکز طراحی و به تصویب رسید.

گام آغازین در معرفی استیج ایران به فعالان تئاتر کودک و نوجوان حضور استیج در برنامه های مختلف نمایش کودک کشور بود. حضور استیج در برگزاری ششمین جشنواره تئاتر خیابانی مریوان، چهاردهمین جشنواره بین المللی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و هجدهمین جشنواره تئاتر کودک و نوجوان همدان از جمله فرصت هایی بوده که موجبات معرفی استیج را فراهم نموده است.

همچنین اعزام گروه های نمایشی و پژوهشگران ایرانی به کشورهای دیگر از جمله اقدامات اخیر استیج در طی سه ماه گذشته است که زمینه تعامل با فعالان حوزه تئاتر را فراهم کرده است.

با این حال استیج ایران تلاش دارد تا به عنوان پل ارتباطی بین فعالان حوزه تئاتر کودک و نوجوان در داخل و خارج از کشور زمینه های تبادلات فرهنگی و فعالیت های مشترک نمایشی را فراهم آورد. لذا این مهم نیازمند برقراری ارتباط میان اعضاء با استیج ایران است و به زودی زمینه عضویت هنرمندان و فعالان این حوزه فراهم خواهد شد.

همچنین به منظور اطلاع رسانی و ارائه خدمات این مرکز سایت استیج به آدرس [www.assitejiran.com](http://www.assitejiran.com) به ثبت رسیده است که طی مراسمی در بهمن ماه سال جاری رونمایی خواهد شد. این سایت دارای بخش های مختلفی از جمله معرفی اعضاء، تقویم جشنواره ها، گزارش ها، مقاله و خبرنامه است. چشم انداز فعالیت های مرکز ملی استیج ایران دستیابی به همه ی اهدافی است که مد نظر فعالان حوزه تئاتر کودک و نوجوان این کشور است. اهم این اهداف گسترش تئاتر برای کودکان و نوجوانان و نهادینه کردن آن در میان خانواده ها به منظور بهره مندی همه ی کودکان و نوجوانان از تأثیرات شگرف این واسطه ی تربیتی است.

متحد کردن فعالان حوزه تئاتر کودک و نوجوان و تمرکز بخشیدن به فعالیت های موازی سازمان های هم سوی فرهنگی از مهم ترین اهداف این سازمان است که به همت و تلاش همه ی دلسوزان تئاتر کودک و نوجوان کشور میسر خواهد شد.

از جمله برنامه های کارگاهی پیش بینی شده برای جشنواره ی هجدهم، برگزاری نشست معرفی فعالیت های مرکز استیج ایران با حضور خانم صدیقه حسن زاده مسئول این مرکز بود. این برنامه در تاریخ ۹۰/۸/۱۷ دوشنبه شب با حضور گروه ها و علاقمندان شرکت کننده در جشنواره از ساعت ۲۲ در محل سالن سینما کانون برگزار شد. خانم حسن زاده طی بیاناتی به تشریح اهداف، وظایف و فعالیت های مرکز استیج ایران پرداخت که در ادامه بخشی از صحبت های ایشان جهت استفاده علاقمندان آورده می شود:

تئاتر به عنوان یک واسطه ی تربیتی دارای چنان قدرتی است که می تواند طیف وسیعی از مردم جهان را در خدمت آموزه های تربیتی و پرورشی، با یکدیگر پیوند دهد. از آنجا که کودکان و نوجوانان بخش وسیعی از جمعیت جهان را تشکیل داده و آینده سازان دنیایی هستند که ما آن را پی ریزی کرده ایم. سازمان حمایت از تئاتر کودک و نوجوان با عنوان استیج ASSITEJ با نیت متحد کردن مراکز فرهنگی، موسسات و شخصیت های تئاتری سراسر جهان و برای کمک به توسعه تئاتر کودک و نوجوان شکل گرفته است. این سازمان با تشخیص این امر که تحقق بخشیدن به حقوق کودکان و نوجوانان در راستای توسعه ی فرهنگی جوامع بشری مؤثر است، اهدافی را برای خود در نظر گرفته. شناسایی و به رسمیت شناختن تئاتر کودک و نوجوان به عنوان تئاتری تخصصی که مستلزم بکارگیری تجارب، امکانات، و دانش خاص خود است، همچنین گسترش درک عمومی از تئاتر کودک و نوجوان در سراسر جهان از طریق جلب دست اندر کاران ملی و بین المللی، از جمله اهداف این سازمان است. لذا استیج بین الملل در راستای گسترش دامنه ی فعالیت های این سازمان اقدام به تاسیس شعباتی با عنوان مراکز ملی در کشورهای مختلف کرده است. این مراکز با پذیرش شرایط عضویت ملزم به تبعیت از اهداف استیج بین الملل هستند. در حال حاضر ۸۲ عضو فعال از سراسر جهان به عضویت استیج بین الملل درآمده اند.

استیج در ایران: از سال ۱۳۵۲ مرکز تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عضویت سازمان استیج بین الملل درآمد و در طی این سالیان نمایندگان استیج ایران فعالیت های این مجموعه را از طریق تعامل با بخش بین الملل کانون پرورش فکری پیگیری کرده اند.

از ابتدای سال جاری و با بررسی انجام شده در خصوص عملکرد استیج ایران، طی تصمیمی از سوی مدیران ارشد کانون پرورش فکری مقرر شد، مرکز ملی استیج ایران فعالیت مستقل

چهارشنبه ۱۸ آبان



هجدهمین جشنواره بین المللی  
تئاتر کودک و نوجوان همدان

۱۳۹۰ آبان ماه ۱۳۹۰

<p><b>نمایش خیابانی</b></p> <p>۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۱ شهریور - ۲ شهریور - ۳ شهریور</p>	<p><b>سینما کانون</b></p> <p>۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۱ شهریور - ۲ شهریور - ۳ شهریور</p>	<p><b>تالار فجر</b></p> <p>۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۱ شهریور - ۲ شهریور - ۳ شهریور</p>	<p><b>مجموع فرهنگی سینمایی شهید آوینی</b></p> <p>۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۱ شهریور - ۲ شهریور - ۳ شهریور</p>	<p><b>کانون عهده</b></p> <p>۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۱ شهریور - ۲ شهریور - ۳ شهریور</p>	<p><b>مجموع فرهنگی هنری بو علی سینا (میان امشب)</b></p> <p>۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۱ شهریور - ۲ شهریور - ۳ شهریور</p>	
<p>حال زمین خوب نیست ن و ک : محدود فرهنگ (توران) ۲۵ دقیقه ***</p>	<p>تئاتر خیابانی ن و ک : محدود فرهنگ (توران) ۲۵ دقیقه ***</p>	<p>شب ایران آرزو به ن : محدود رضا کوهستانی ک : احمد سلیمانی (م) ۵۵ دقیقه</p>	<p>یک نیک در میدان جنگ ن : منوچهر اکبرلو ک : مهدی رحمانی (توران) ۲۵ دقیقه</p>	<p>خانه موسسه ن : م آزاد ک : اعظم نظاری (اصفهان) ۵۰ دقیقه **</p>	<p>ایا واز تندرا ن و ک : پنا ایاکولت (فرانسه) ۲۰ دقیقه</p>	<p>تصمیم تصویر ن و ک : مهدی فرشیدی سپهر (توران) ۶۰ دقیقه **</p>

## Picnic on the Battlefield

**Director:**  
Hamid Reza Mola Husseini  
**Playwright:**  
Manouchehr Akbar Lou  
**Cast:** Ehsan Majidi, MOhammad Reza Maleki, Bita Kharestani, Samaneh Sepanta, Amin Husseini, Milad Ramezani  
**Scene Designer:**  
Mehrdrad Bagheri  
**Costume Designer:**  
Ziba Mousavi  
**Poster and Leaflet Designer:**  
Ali Barouti



**Director's Assistant:** Saber Asgari  
**Set Managers:** Saber Asgari, Hamed Bijani  
**Accessories Fabrication:** MARziyeh Imankhani  
**Animator:** Sahand Kalaj  
**Continuity:** Somayeh Moghadm  
**Photographer:** Ehsan Majidi  
**Poet:** Azadeh Farhangian  
**Stage Director's Background:** he was born in Tehran in 1978  
**Education:** Diploma in Human Science; Industrial Electricity, he has received training in Acting Course under Mahammad Hamzeh Zadeh; Amin Tarokh

**Artistic Background:** He has begun his professional theatre activities since 1996, as an actor in 23 theatres in the field of Children, youth and Adult Theatre, participation at 10 International Theatre Festivals

**Memorable note of Stage Director:** I'm bored with saying Beautiful sentences; I like living beautifully.

**Synopsis:** For years Red ants have been fighting against the black ants. The Story begins when colonel general of black ants and the Princess of Red ants are informed that human beings have picnic in the plain; there would be left so much ...

## Pah Pah's Mysterious Night



**Playwright:** Mohammad Reza Kouhestani  
**Director:**  
Ahmad Soleimani  
**Cast:** Majid Amiri, Hamid Lajevardi, MashaAllah Kouhestani, Mohammad Javad Pirouzi, Mahdi Nikravesh, Nima Sayari, Elham Rasouli  
**Executive Manager:**  
Behrouz Niazmand  
**Set Manager:** Sajad Agha Babae  
**Scene and Costume Designer:** Mahdi Nikravesh  
**Poster Designer:** Mahhamreza Doust Mohammadi  
**Light Designer:** Mohammad Reza Azad  
**Continuity:** Mona Mohammad Esmaeli  
**Music Composer:** Hamed Jahanbakhsh  
**Décor Making:** Mohammad HajBabae, salar Husseini, Saeed Masae Manesh  
**Costume Sewing:** Zahra Hasani  
**Photo:** Fariba Shadian

**Stage Director's background:** he was born in Qom in 1975  
**Education:** He's Graduate in Drama in Arak Azad University: Mehre Giah, Pirahan-e Hezar Yousof, Narges' Memories Class, Sham-e Gharib (religious), A Girl; A Soldier, the Story of the King of the Sories, The Last Supper, komeil's Channel, afra, A man in Prison, Mr. Majnoon; Mrs. Leili, the story of Cover and Lining, Where are you, Hasanak?

**Memorable Note of Stage Director:** Always nights are enigmatic! But that night is the most mysterious ones for Pah Pah; a night full of mystery with more mysterious guests...

**Synopsis:** Pah Pah is a naughty boy. One night in absence of his Parents, he makes to do strange affairs. While he had a message for him and a special gift, immediately...

## Ghotbedin Sadeghi

Ghotbedin Sadeghi is one of the juries of international competition in 18th international theater festival for children and young adults. He is Playwright, Director, Actor, Critic and Teacher. At the following, there is some information about him.

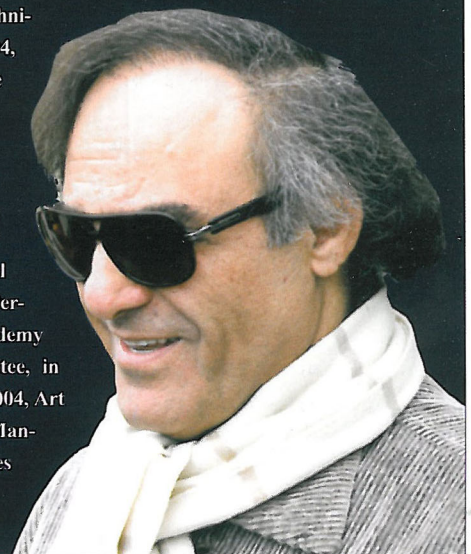
**Education:** B.A. of Dramatic Arts from Fine Arts University. M.A. of Dramatic Arts from Sorbonne University; Paris, Ph.D. of Dramatic Arts from Sorbonne University

**Artistic Background:** Lottery for Death, Golden Asp, Hippo, in Presence of Wind, Lost Command, Ajax, Medea, Arash, Hamlet, Bahram Chobin, Shirin's Crypt, Retrieved Statues, As an Actor: Confidential, The Gem of Chehel Cheragh, The English Bag, Kolah-e Pahlavi, Actor: Report of a Murder, Attorney, Paradise (Heaven) and Spring, Murderer. As a director in: Caligula, Charkh Dandeh (Gear), a Basket full of the Lost Moon, Short Film: Step Slowly, Galvanized, Tarkeh (Wand), Cabaret isn't The Bathroom...

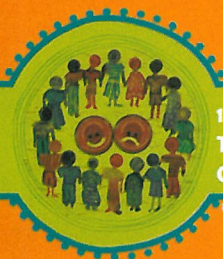
**Cultural, Research Background:** First Instructor of Children and Youth Theater in Intellectual Development of Children and Youth theatre Institute in Kermanshah; Teh-

ran, Membership in specialized Committee of Education Ministry in Art, Membership of Curriculum and Compilation of Textbooks Organization in Planning and Compilation of Technical- Professional Education Since 2004, Membership in Assessment of Theatre Artists Office in Culture and Islamic Guidance Ministry.

He was selected as Directors Board of (ITT); International Theatre Institute in Iran by Iranian Artists after 46 years membership in International Theatre Institute. Membership of Persian Language and Literature Academy in Theatre word Selection Committee, in Art Coordination Committee since 2004, Art Academy, Dramatic Arts since 2006, Manager of "World Theatre" in 100 volumes in "Ghatreh" Publication which have been published 55 versions.



Wednesday 9 Nov



18th International Theater Festival For Children & Young Adults

Wednesday 9 Nov 2011

Bu-All Sina cultural Complex (main saloon)	Bu-All Sina cultural Complex (Auditorium Next)	Kanoon-e Mohabbat	Shahid Avini cultural Complex	Fajr Saloon	Kanoon Sina	Street Performance
17:30 15:30 10	17:30 15:30 10	17:30 15:30 10	17:30 15:30 10	17:30 15:30 10	Place: 19-17 Kanoon Cinema 19-17 Kanoon Cinema 22-23	17:30 15:30 10
The decision of decision W & D: Mehdi Farahidi Sepah (Tehran) 60 min ••	Aia and the secret of the Tundra W & D: Pia Appelquist (France) 40 min	Khate Soske W & M: Azad D. Azam Mokhtari (Isfahan) 50 min ••	Picnic on the battlefield W: Manouchehr Akbar Lou D: Hamid Reza Haji Molla Hosseini (Tehran) 60 min	Mysterious night of Pah W: Mohammad Reza Kouhestani D: Ahmad Soleimani (Qom) 55 min •	The anniversary ceremony of the founding of the Islamic Republic of Iran W & D: ... 45 min •••	the Ground don't have a good feel W & D: Mahmoud Farhang (Tehran) 45 min •••

# AIA AND THE SECRETS OF THE TUNDRA

Pia Appelquist is a French actress, author and theater director.

She has represented "Aia and the secrets of the Tundra" to this festival.

Pia Appelquist also writes, directs and performs shows for children and youth, exploring the many aspects of puppet and visual theater.

She is regularly engaged as a teacher and pedagogue in theater and movement for actors.

"Theatre Beliaše" is a French-Scandinavian company installed in the mountainous region of the Cantal, France. The company was created in Norway 1982 by a group of international stage artists.

country far north with people white as Cray. It was a very dark country, where nobody had ever seen or heard of sun or sun-light, flames of fire, colors of the day, joy of warmth or the delight of seeing trees, plants and flowers growing season after season. Their dark country was surrounded by a long fence, behind which was living 70 dark brothers made of coal, who severely surveyed the barrier to make sure nobody ever escaped to the other side. They had lived like this for thousands of years.

But one day, along the fence, an old man arrives, riding a beautiful white reindeer. He is very surprised to meet so much night. He starts telling them about a world he knows, without fences where the sun is shining, warming and illuminating all possible colors of life.

The cray people can hardly believe his sayings, they find it very difficult to conceive another existence than their own... Only a little girl named Aia dares to believe, and one night when the coal brothers are sleeping, she decides to climb the fence and to travel into the dark of the night, in quest of this unknown light...."

The company is deeply involved in the education and training of professional actors, with a natural development of this being the artistic education of young adults and children.

Here is the synopsis of the performance:

Concept & text & directing: Pia Appelquist

Puppeteer: Pia Appelquist

Light and sound: Niko Appelquist

Puppet fabrication: Katja Frederiksen & Tim Dalton

Scenography and light: Tim Dalton

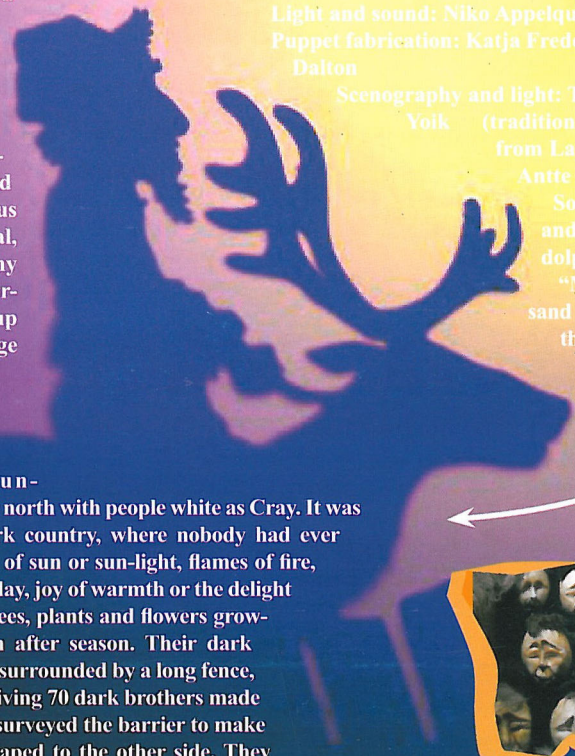
Yoik (traditionnel singing from Lapland): Ingor Antte Ailu Gaup

Sound effect

and music: Rodolphe Collange

"Many thousand years ago,

there was a



**تئاتر**

صاحب امتیاز: دبیرخانه جشنواره بین المللی تئاتر کودک و نوجوان  
مدیر مسئول: شهرام کریمی  
سرمدبیر: مجید فروتن  
مدیر اجرایی و دبیر تحریریه: سید محمدرضا جوادی  
تحریریه: نیما بیگلریان، شهرام بزرگی، فواد ابراهیمیان  
آزاده سادات حسینی صدق، اعظم ولیان  
بخش بین المللی: مهسا شیرینی  
ویراستار: میرهاشم میری  
عکس: پیمان بختیاری - سید امید فقیه  
مدیر هنری و صفحه آرا: حمید رجایی  
تایپ: مهشید مرادی  
چاپ: یوسف  
با تشکر از آقایان مهدی عالیفر و رضا شفیعی

Owned:  
secretariat of International Theater Festival for Children and Young Adults  
Managing director: Shahram Karami  
Chief clerk: Majid Forotan  
Editorial secretary & Executive director: Seyed Mohammad Reza Javadi  
Editorial members: Nima Biglarian, Shahram bozorgi, Foad Ebrahimi, Azade Sadat Hossaini, Azam Vailan  
International section: Mahsa Shobeiri  
Editor: Mir Hashem Miri  
Photo: Peiman Bakhtiari, Seid Omid Faghie  
Graphic & Artistic director: Hamid Rejaee  
Type: Mahshid Moradi  
Publication: «Yoosof»

wednesday 9 Nov 2011 3rd Number

## The Children's Theater Should Be Educational in Nature

On the second day of the festival, Thomas Lang has held a workshop about the director of drama in the theater for children & young adults. He also will hold another workshop about the new ways of presenting text & poetry in modern acting on the evening of Wednesday, November 9th.

Thomas Lang is a German director. After studies of literature and science of drama, he has been the artistic leader of the National Theatre in the department children and young people theatre. Since 1999, also he has been the leader of the theatre program of the academy of cultural education.

He is also a teacher on the universities of Hildesheim and Hannover, science of theatre; and he is one of the members of the board of the ASSITEJ Germany.

In a short interview, when I asked him about this festival, he answered: holding festival is very effective because the theater groups visit

each other and transfer their experiences.

He mentioned that his duty is visiting the theatre festivals around the world to gain some information about the children's theater.

He added: the people of Hamedan city are very interested in watching the performances and it impressed me.

He told: The children's theater festival in Iran is very important. And the juries of this festival are working seriously.

Finally He added: the theatre festival for children and young adults should try that the children don't waste their time with the entertainment programs of television. Actually, the children's theater should be educational in nature.

